مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳ - ۱۷ رجب ۱۴۴۶ - ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵ - سال بیست وچهارم - شماره ۶۴۵۵ - ۱۲ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان

عکس: AFP

حسن بهشتی‌پور در گفت‌وگو با «مردم سالاری» تشریح کرد

لزوم واقع‌گرایی ایران در نگاه به روسیه

امضای توافق راهبردی ایران و روسیه

گروه سیاسی: دکتر مسعود پزشـــکیان رئیس جمهوری اسلامی ایران در سفری سه روزه جهت افزایش همکاری‌های دو جانبه به تاجیکستان و روسیه رفت. این سفر برای جمهوری اسلامی و دو کشور تاجیکستان و روســـیه که دارای تعاملات گســـترده‌ای است دارای اهمیت فراوانی بوده به شکلی که برای انجام سفر به روسیه و امضای قرارداد سند جامع راهبردی همکاری‌های ۲۰ ساله میان...

صفحه ۲

اقتصاد حلقه مفقوده روابط ایران و روسیه

گروه اقتصادی: ایران و روسیه طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ اگرچه در روابط دیپلماتیک و تراکنش‌های سیاسی دست به توسعه روابط زدند اما نتوانستند یک تجارت معقول و منافع مشترک اقتصادی با یکدیگر تعریف کنند. شـــاید بتوان گفت که تهران به دلیل عدم درک صحیح از تاثیر اقتصاد بر سیاست اراده لازم برای توسعه تجارت با مسکو را نداشته است. به موازات این مساله...

صفحه ۶

ریل‌گذاری استراتژیک تهران - مسکو

گروه دیپلماســـی - علی ودایع: امضای پیمان همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه را اتفاقی خاص در روابط پرفراز و نشیب تهران و مسکو باید قلمداد کرد؛ رویکردی که احتمالا تبعات آن فراتر از نمایش پرستیژ طرفین است. «معاهده مشارکت جامع راهبردی» میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در یک مقدمه، ۷۴ بند و حول ۳۰ محور تهیه و تنظیم...

صفحه ۱۰

یادداشت

زینب(س) بانوی خرد و عقلانیت

احمد مازنی

به مناسبت سال روز وفات حضرت زینب(س) اشاره کوتاهی دارم به یکی از صفات بارز آن حضرت.

بارزترین لقب حضرت زینب(س) لقب «عقیله» است که با تعابیر مختلف بیان شده از جمله عقیله العرب، عقیله الطالبین، عقیله القریش، عقیله النساء و عقیله بنی‌هاشم.

عقیله بر وزن فعیله صفت مشبهه است، عقیل یعنی کسی که عقلانیتش همیشه جاری است و همیشه عاقل است، یعنی رفتارش براساس خرد اســـت. اما عقیله از باب مبالغه و کثرت اســـت، تاء انتهای عقیله تاء تانیث نیســـت. بلکه برای تاکید بر عقلانیت و خردورزی اســـت، که می‌تواند برای مرد هم به کار برود. عقیله وزن مشـــترک بین صفت مشـــبهه و صیغه مبالغه است.

عقیله دلالت بر کثرت و فراوانی دارد. کسی که بر تمام اعمال و رفتارش در هر حال عقلانیت جاری است.

زینب(س) به این صفت مشـــهور بود، مثلا ابن عباس که از مشـــاهیر اصحاب بود می‌گفت «حدثنی عقیلتنا زینب» و این یکی از نشـــانه‌های شهرت بانو زینب(س) به این صفت بود که صرفا مربوط به نقش آفرینی در واقعه عاشورا نیست، اما واقعه عاشورا زمینه ظهور و بروز عقلانیت آن حضرت را فراهم آورد.

چند نمونه از نشـــانه‌های تدبیر و عقلانیت زینب بزرگ که حاکی از روح بزرگ و ظرفیت عقلانی آن حضرت است عبارت است از:

۱- ایراد خطبه در شهر کوفه

این ســـخنرانی در حالی ایراد شـــد که کاروان اسیران اهل بیت(ع) را همراه با سرهای بریده بر نیزه، با تبلیغات گسترده و در میان جمعیت انبوه وارد شهر کوفه کردند تا پیروزی حکومت فاسد و شکست حسین(ع) را به رخ بکشند و ختم داستان کربلا را اعلام کنند. زینب(س) در چنین فضایی جمعیت را به سکوت فرا خواند، همه ساکت شدند!

او بعد از حمد خدا و درود بر رسول خدا(ص) مردم کوفه را مخاطب ســـخن خود قرار داد «یا اهل الکوفه...» و از بی‌وفائی، حیله‌گری و حقارت آنان گفت و چون آئینه، چهره واقعی آنان را در برابر چشمان شان ظاهر ساخت، تا آنجا که فریاد و ناله مردم بلند شد و بذر پشیمانی در دل‌های آنان کاشته شد.

۲- حضور مقتدرانه در کاخ ابن زیاد

هنگامی که اســـیران آل الله را به کاخ عبیدالله ابن زیاد وارد کردند. والی کوفه پیروزمندانـــه زینب را مخاطب قرار داد و از کار خدا در مورد قتل حســـین(ع) پرسید؟ فرمود: «ما رایت الا جمیلا» کار خدا را جز زیبایی ندیدم.

۳- خطبه در قصر یزید

ماجرای حضور اسیران اهل بیت(ع) همراه با سرهای شهدا در قصر یزید ماجرای عجیبی اســـت. یزید که سرمست از باده پیروزی بود و به خیال خام خود آخرین و بزرگترین مانع محو اســـلام و اســـتمرار حاکمیت بنی امیه را از سر راه بر داشت و کلمات کفر آمیز بر زبان جاری ساخت!

راوی می‌گویـــد: «فقامت زینب بنت علـــی ابن ابیطالب(ع) فقالـــت: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی رســـوله و آله اجمعین...» زینـــب از جا برخاســـت! و همانند یک خطیب و سخنران که به صورت رســـمی و در نهایت آرامش می‌خواهد ســـخنرانی کند، حمد خدا و درود بر رسول خدا می‌گوید و بعد با قرائت آیه ۱۰ ســـوره روم به سرنوشت بدکاران اشاره می‌کند که عاقبت کارشان رسوائی و کنار رفتن پرده‌ها و اعتراف آن‌ها به کفر اســـت! و در ادامه یزید را بـــا عنوان «یابن الطلقا» مورد خطاب قرار می‌دهد! و به آزادی جدش ابوســـفیان در فتح مکه توسط پیامبر(ص) اشاره می‌کند و رفتار امویان را دور از عدالت می‌داند که اهل بیت پیامبر را این چنین به اســـارت در آورده و می‌گوید:

«ای یزیـــد آیا گمان می‌بری این کـــه اطراف زمین و آفاق آســـمان را بر ما تنگ گرفتی و راه چاره را بر ما بستی که ما را به مانند کنیزان به اســـیری برند، ما نزد خدا خوار و تو سربلند گشته و دارای مقام و منزلت شده‌ای؟

پس خود را بزرگ پنداشـــته به خود بالیدی، شـــادمان و مسرور گشتی که دیدی دنیا چند روزی به کام تو شده و کارها بر وفق مراد تو می‌چرخد، و حکومتی که حق ما بود در اختیار تو قرار گرفته اســـت، آرام باش، آهسته تر..آیا فراموش کرده‌ای قول خداوند متعال را «گمان نکنند آنان که کافر گشته‌اند این که مـــا آنها را مهلت می‌دهیم به نفع و خیر آنان اســـت، بلکه ایشـــان را مهلت می‌دهیم تا گناه بیشتر کنند و آنان را عذابی باشد دردناک»

این سخنرانی موجب ابراز پشیمانی یزید و مقصر جلوه دادن عبیدالله زیاد شد و در حقیقت تیر خلاص زینب(س) بر توطئه بنی امیه و تکمیل قیام عاشورا بود.

یادداشت

مذاکره با چاشنی تهدید نظامی

جهانگیر محمودی نژادیان

از هنگامی که دکتر پزشکیان به مقام ریاست جمهوری نائل شـــده است سخنان وی در ارتباط با سیاست خارجی خصوصا در ارتباط با آمریکا و اســـرائیل و تروئیکای اروپایی از یکسو بر مذاکره و از ســـوی دیگر بر مقابله و دفاع نظامی قرار داشـــته است.

درک این شـــیوه که ناشـــی از درک واقعیت‌ها، مشکلات و توانمندی‌های ایران از یکسو و درک توانمندی‌ها و ضعف‌ها و مشـــکلات دشمنان ایران است؛ درکی واقع بینانه، عملگرایانه، پراگماتیستی و درکی مبتنی بر شـــناخت صحیح دیالکتیک ایران و دشـــمنان کشور و طریقه خروج از تضادهای عقیم این پروسه و تبدیل آن به دیالکتیکی پویا و سازنده به سود منافع کشور است. چنانچه جریانات سیاسی کشور به جای بیان همه واقعیت هریک بخشی از آن را می‌گویند.

یک دســـته از جریانات سیاســـی تضادهـــای موجود میان ایـــران و غرب را عقیم و نازا شناســـایی نموده و راه حل را در مقابله غیر دیپلماتیک شـــناخته و تنها راه خروج از بحران‌ها بلکه ابر بحران‌های ایران را مبتنی بر بازســـازی اقتصاد داخلی و جایگزینـــی واردات و تکیه بر یـــک اقتصاد در ابعاد داخلی و بالا بردن سطح و توان قدرت ملی متمرکز نموده‌اند و اینکه در سطح بین‌المللی نیاز به گسترش نظام چند قطبی و گسترش و ایجاد و تقویت نظام‌هایی چون بریکس و شـــانگهای و غیره اســـت. علت عمده اتخاذ چنین سیاستی را ماهیت استعماری و تجاوز طلبانه و البتـــه جنایتکارانه آمریکا، تروئیکای اروپایی و اســـرائیل که خصوصا در جریان تجاوز به غزه آشـــکار شد، دانســـته و اینکه آنان ذاتا با ایران دشمنی داشته، لذا هر گونه گفتگویی را غیر ممکن و غیر مفید دانســـته‌اند. از سوی دیگر گروهی که در مقابل گروه اول قرار دارند بر این باورند که علت بن بست‌ها و ابر بحران‌ها و دیالکتیک عقیم ایران و غرب، نوع ایدئولوژی داخلی و نگرش‌ها و در نتیجه مدیریت‌هایی است که در حد توهم نسبت به جهان خارج به ویژه آمریکا و اسرائیل و تروئیکای اروپایی است.

به عبارت دیگر ذهنیت‌ها و باورها عامل اصلی بن بست‌ها و ابر بحران‌های کشور است. براین پایه بر خلاف گروه اول توصیه می‌کنند که بر عامل دیپلماتیک و گفت‌وگوها تا کید بیشتری شود و البته بر تغییرات اساســـی در باورها و نگاه‌ها نسبت به آمریکا و غرب و اسرائیل نیز تاکید و افر دارند. حقیقت اینست که دو طرف دیالکتیک، بخشـــی از واقعیت را می‌گویند. اینکه آمریکا و اســـرائیل و تروئیکای اروپایی به نحو مستقیم و غیر مســـتقیم جنایت‌هـــای بزرگی را مرتکب شـــده‌اند و پای بند قوانین اخلاقی و انســـانی نیستند و البته نقشه‌های خطرناکی برای ایران و منطقه از جمله تجزیه و ایجاد جنگ‌های داخلی و همچنیـــن ســـاقط نمودن نظام در ســـر دارنـــد، قابل انکار نیست.

امـــا اینکه ما صرفا به اقداماتی چـــون جایگزینی واردات و گســـترش چند قطبی جهانی و بریکس و شـــانگهای و غیره و تغییـــر ذهنیت‌ها در جهت مقاومت ملی اتکا نماییم نیزکفایت نمی‌کنـــد. زیرا این تغییرات نیاز به زمان زیادی دارد و در این میان اتفاقا فرصت‌هایی برای دشـــمن غدار به وجود می‌آید که بتواند بر اثر کمبودهای داخلی و در نتیجه تبعیضات ناشـــی از آن و سوء استفاده‌های داخلی، اسباب شکل‌گیری عوامل جاهل و خائن برای زمینه‌ســـازی بی‌ثباتی و درگیری‌های میان ملت به وجود آید. از جمله همین ماجرای «زن، زندگی، آزادی» که برخی علی‌رغم مواضع صحیح نظام برای تحمل سختی‌های راه با حمایت از سوی تجزیه طلبان و جریانات ضد نظام ایجاد شد. ضمنا کوچکترین حرکت که ممکن است دولت برای تغییرات لازم در راســـتای تحول اقتصادی انجام دهد از جمله تغییر در قیمت بنزین یا دلار می‌تواند کشور را به آتش بکشد. از سوی دیگـــر ما نیاز به فـــروش آزاد نفت داریـــم و ادامه روند فعلی، اقتصاد کشور را دچار بحران‌های سنگین می‌کند. علاوه بر آن عدم فروش نفت به صورت آزاد پای کاسبان تحریم را به عرصه اقتصاد و سیاست کشور کشـــانده که قطعا آثار سوء این گروه مافیایی بر کشـــور و فساد ناشـــی از آن می‌تواند بسیار عواقب سوئی بر زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ملت بگذارد.

همچنین در ســـطح بین‌المللی روابط کشـــورها با ایران به علت وجود این گروه مافیایی در تنگناهایی قرار خواهد گرفت که حتی روابط ما با کشـــورهای حوزه شـــانگهای و بریکس را دچار مشـــکلات کرده و خواهد نمود. زیرا خـــواه ناخواه برای فروش نفت و بســـیاری از اقدامات دیگر نمی توانیم در هنگام دور زدن تحریم‌ها بدون استفاده از جریانات خطرناک مافیایی در سطح بین‌المللی به این هدف برسیم.

ضمنا بســـیاری از کشـــورهایی که ما برای فروش نفت یا تجارت کالاهـــای دیگر به آنها امید بســـته‌ایم به علت منافع خویـــش نمی‌خواهنـــد از چارچوب تحریم‌هـــای بین‌المللی و تحریم‌های آمریکایی خارج شـــوند. اخیرا شنیدیم که یکی از بنـــادر چین مانع ورود و پهلوگیری کشـــتی‌های ما معروف به کشـــتی‌های ارواح شـــدند. از این نوع اقدامات قبل از این در راســـتای اجرای تحریم‌های آمریکا از جانب روسیه و برخی از کشورهای دیگر نیز مشاهده شده است.

دیپلماسی موثر چگونه است؟

اما دیپلماســـی موثر چگونه اســـت. اگر ما نیاز داریم که با مذاکره و دیپلماسی راهی به سوی حل مشکلات خویش بیابیم از چه روشی باید استفاده کنیم. در دانش دیپلماتیک از نکات و روش‌های گوناگون سخن گفته می‌شود. از جمله روش‌هایی در قالب تاکتیک‌های مذاکره و گفت‌وگو و رسیدن به هدف از طریق اســـتفاده از این تاکتیک‌ها سخن بسیار است. اما پیش از هـــر چیز بایـــد ببینیم که نوع نگاه و نگـــرش طرف مذاکره مثلا آمریکا چیست. در این باره دکتر ابراهیم متقی کارشناس روابط بین‌الملل می‌نویســـد: جهت‌گیری راهبردی آمریکا در برخورد با هر کشـــوری – از جمله جمهوری اســـلامی ایران- تابعی از سیاست قدرت است.

سیاست قدرت بر اساس «کنش مبتنی بر فرادستی» شکل می‌گیرد. دیپلماسی ایالات متحده در شرایط کنش فرادستی و ســـاختاری معطوف به تأمین حداکثر منافع و قدرت، بدون توجه به مطلوبیت راهبردی دیگر بازیگران است (مقاله؛ اخلاق دیپلماتیک و فرهنگ راهبردی در ایالات متحده آمریکا). درک این معنا که روش آمریکا بر اساس «کنش مبتنی بر فرادستی» در هر گونه دیپلماســـی قرار دارد، جنبه اساســـی وزیر بنایی در عملکرد دیپلماســـی ایرانی دارد. به عبارت روشنتر منطق و ســـخن آمریکا اینست که من زور برتر هستم، از این رو هرچه می‌گویم باید به عنوان فرمان تلقی شـــود و کســـی حق ندارد خلاف گفته و خواسته من عمل کند.

یعنی دیپلماســـی از منظر آمریکا معنایش اینســـت که در یک مذاکره و گفت‌وگو روشن شود که برای مثال ایران چگونه دســـتورات ما را اجرا کند و روشـــن شود که چگونه دستورات آمریکا برای ایران درک شـــده است. اگر ایران هژمونی (سلطه و قدرت برتر) ما را درک کرده باشـــد و ما در گفت‌وگو فهمیده باشـــیم که ایران آن را به خوبی درک کرده اســـت می‌توانیم کمک‌هایی به ایـــران بکنیم. مثلا در جریـــان برجام چون ما به عنوان یک طرف برابر وارد دیپلماســـی شدیم و خصوصا با فرســـتادن آن موشک کذایی با عبارتی عبری مبنی بر نابودی اســـرائیل نشـــان دادیم که ما خود را در مذاکرات برجام برابر می‌دانیم و قرار نیست که هژمونی و سلطه آمریکا را بپذیریم، لذا اقدامات بعدی در ماه‌های پایانی دولت اوباما و ســـپس در دولت ترامپ و همچنین دولت بایدن نشـــان داد که آمریکا از این اصل فرادســـتی در قدرت و هژمونی پایین نیامده و هر گز مذاکرات دیپلماتیک با ایران را به معنای برابر دانســـتن ایران و آمریکا نپذیرفته اســـت. بنابراین زمانی ما می‌توانیم وارد یک مذاکره موثر با آمریکا بشویم که البته بتوانیم قدرت خویش به ویژه قدرت نظامی خود را به رخ بکشـــیم و نشان دهیم که اگر آمریکا بخواهد با اتکا بر دیپلماسی فرادستی وارد مذاکره شود، دچار مشکلاتی خواهد شد.

موضع تهاجمی نظامی

اگر بخواهیم به نحو بهتری مبنای دیپلماسی موثر خویش را تعریف و توجیه کنیم اینســـت که لازم اســـت با فرستادن پیام‌هایی به طور مســـتقیم و غیر مستقیم آمریکا و تروئیکای اروپایـــی را تهدید نظامی کنیم. باید به وضوح روشـــن کنیم که تمامی پایگاه‌ها و کشـــتی‌های آنان را مـــورد هدف بارانی از موشـــک‌ها و پهبادهـــا و ابـــزار دیگر نظامی قـــرار خواهیم داد. این موضع نباید پس از اقدامات تهدید آمیز آمریکا باشـــد بلکـــه باید بدون هیچ تهدیدی از ســـوی آمریـــکا و تروئیکای اروپایی صورت گیرد، همچنین وعده صادق ۳ نیز باید اجرایی شـــود. زیرا همینکه در موضع دفاعی اقدام به عملیات نظامی کنیم به معنای اینســـت که هنوز هژمونـــی آمریکا و غرب را پذیرفته‌ایم و اگر نخواهیم از این پوســـته خارج شـــویم هر گز نباید انتظار داشته باشیم که دست ازسر ما بردارند.

قطعا چنانچه مقام معظم رهبری فرمود آمریکا نســـبت به ایران «کینه شـــتری» دارد، این کینه ی شتری جز با نابودی ایران و تجزیه کشور و ایجاد جنگ‌های داخلی از بین نخواهد رفـــت. ما باید به نحو جدی آنـــان را تهدید کنیم و در صورتی که از تحریم‌ها دست برندارند باید تهدید خود را عملی کنیم.

دلیل اول

دلیـــل اول اینکه چنانچـــه در بالا توضیحاتی داده شـــد، غـــرب خصوصا آمریکا و برخی از کشـــورهای اروپایی به ویژه در جریانات اخیر در مورد غزه، لبنان و ســـوریه و غیره نشان دادند که اگر آشکارترین و بدیهی‌ترین و محکم‌ترین استنادات قانونی بر پایه معاهدات و قوانین بین‌المللی ارائه شـــود به هیچ وجـــه آنان را وادار نمی‌کند تا منافع خویش را به خاطر قوانین بین‌المللـــی و تعهدات خود رها کنند، زیرا به اصل فرادســـتی به ســـختی پایبند هستند. بنابراین اگر کسی به امید پایبندی غربیـــان به قانـــون وارد مذاکره شـــود یا اینکه ســـازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل را آنقدر نیرومند بداند که امکان خروج از قانون و معاهدات را برای غربیان غیر ممکن می‌کند، آب در هاون کوبیده است.

لذا اگر توان دفاع از حقوق خود را نداشـــته باشیم نباید به امید قوانین بین‌الملل و ســـازمان‌های بین‌المللی وارد مذاکره شـــویم. یعنی غربیان باید از قدرت ما خصوصا از قدرت نظامی ایـــران بترســـند و جدیت ما را در صورت تمـــام نکردن پروژه تحریم‌ها برای اســـتفاده کردن از قـــدرت نظامی باور کنند تا در یک پروســـه صلح طلبانه به برقراری روابط جدید و انسانی و برابر با ایران بیندیشند. در غیر این صورت از مذاکره چیزی نصیب ما نخواهد شـــد بلکه دام‌های جدیدی شـــکل خواهد گرفت که می‌تواند بر مشکلات قبلی بیفزاید.

دلیل دوم

دلیـــل دوم؛ اینکه ما اکنـــون به مرتبـــه‌ای از توان نظامی رســـیده‌ایم که توانایی درگیری با آمریکا و تروئیکای اروپایی در منطقه را داریم. اگر یمن به عنوان کشـــوری که به مراتب از نظر قدرت نظامی بسیار پائین‌تر از ایران است امکان مقابله موثر با آمریکا و انگلیس را دارد، چرا ما نتوانیم چنین مقابله‌ای داشـــته باشـــیم. قطعا می‌توانیم و تاثیر و تخریب مقابله ما با آمریکا و تروئیکای اروپایی در منطقه بسیار بیشتر خواهد بود. البته این به معنای برتری تسلیحاتی ما نسبت به آن کشورها نیست، اما همه چیز در جنگ توسط برتری تسلیحاتی تعیین نمی‌شـــود. بلکه شرایط جغرافیایی و سوق الجیشی و نیروهای نظامی نقش بســـیار مهم و اساســـی دارند. اینکه ما بر خلیج فارس و تنگه هرمز و دریای عمان مســـلط هســـتیم و اینکه آنـــان در منطقه نه خاک دارند و نه آب و ســـربازان آنان خود را در وطن نمی‌بینند، و بســـیاری از موضوعات دیگر اســـباب برتری ما است. نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس در پایگاه‌های منطقـــه گرچه از جانب دولت‌ها مطمئن هســـتند اما مردم و حتی بخش‌هایی از نیروهای نظامی را دشمن خویش می‌دانند و پیوسته در نوعی نگرانی به سر می‌برند.

ادامه در صفحه ۱۰